

فانتزی خوراک

ریوارسیویلی

ترجمه‌ی سامان سلیمانی



نشر دات

سرشناسه	: سیوولی، ریوار، ۱۹۶۹ - م.
عنوان قراردادی	: فهنتازیای خواردن. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: فانتزی خوراک [کتاب] / ریوار سیوولی؛ ترجمه‌ی سامان سلیمانی.
مشخصات نشر	: تهران: دات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۵۹-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
موضوع	: غذا خوردن.
موضوع	: Eating (Philosophy)
شناسه افزوده	: سلیمانی، سامان، ۱۳۶۰ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ۹۰۴۱ ف ۹ س / BD ۴۵۰.
رده‌بندی دیویی	: ۶۴۱ / ۰۱
سال کتابشناسی ملی	: ۴۵۸۰۱۷۵



نشریات

فانتزی خوراک

نویسنده:	ریوار سیوولی
مترجم:	سامان سلیمانی
طرح جلد:	رشد خورشیدی
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۸
شمارگان:	۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پارسیان - چاپ و صحافی: فرشویه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۵۹-۰

تلفکس انتشارات: ۶۶۴۸۳۰۷۴

<http://www.dotbook.net>

Email: info@dotbook.net

(این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است)

کلیه حقوق نشر محفوظ است

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	مقدمه‌ی نویسنده بر چاپ فارسی
۱۵	درآمد
۲۴	غذای عاشقانه
۳۳	غذای شاعرانه
۴۴	غذای دوستانه
۵۵	سالاد حکمت
۶۴	غذای مادرانه
۷۲	از غذای زن به غذای زنانه
۸۱	غذای نابینا
۹۲	غذای پیشمرگه
۱۰۳	خوراک پناهندگان
۱۱۵	خوراک راهنما
۱۲۴	خوراک کودکان
۱۳۳	خوراک پیرانه: ۱۳۳ به سوی احیای آبگوشت مرغ
۱۴۴	باهم غذا خوردن
۱۵۵	غذای خداحافظی

یادداشت مترجم

شهریور سال ۹۲ به مناسبت درگذشت شاعر نامی گرد شیرکو بیکه‌س، پرونده‌ای در روزنامه‌ی شرق منتشر کردم و در مطلبی تحت عنوان «آغازی برای دنیای فرهنگی این سو و آن سو»، بر این نکته تأکید کردم که لازم است جنبشی برای ایجاد گفت‌وگو و تعامل فرهنگی میان اقوام ایرانی شکل گیرد و اقوام مختلف ایران زمین با آثار فرهنگی یکدیگر بیش از پیش آشنا شوند. متأسفانه کارهایی که در حوزه‌ی کردی صورت گرفته، هم اندک بوده و هم از نظر موضوعی محدود. محار از آن جهت که بیش‌تر معطوف به حوزه‌ی ادبیات و ترجمه‌ی شعر و رمان به زبان فارسی یا بالعکس بوده و کارهای صورت گرفته نیز هم از لحاظ کمی و کم‌کی متأسفانه اندک و کم‌شمار و صرفاً محدود به تعدادی از ادبا بوده است. و تازه از این تعداد محدود هم آثار انگشت‌شماری منتشر شده. البته در اهمیت آن شک نیست، اما بر این باورم که تلاش‌هایی از این دست باید از عرصه‌ی ادبیات فاطر رود و حوزه‌های تاریخ و اندیشه را نیز در برگیرد. انتخاب آثار ریبر سیه‌بی و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان فارسی در راستای چنین هدفی است. اما کتاب پیش‌رویی: *فانتزی خوراک*.

فانتزی خوراک در نگاه اول کتابی است درباره‌ی غذاها؛ اما سر و سر فراتر از داستان غذاهاست. *فانتزی خوراک* روایت‌کننده‌ی روابط انسانی از دریچه‌ی غذاست و با زبانی ساده و فراگیر، ما را به تأمل در نوع غذاخوردن، روابط انسانی و سبک زندگی وامی‌دارد. تأملی که شاید به علت جذابیت موضوع یعنی غذاخوردن، اهمیتی دوچندان می‌یابد و موجب می‌شود نگاهی نو به مقوله‌ی غذاخوردن بیندازیم. این کتاب می‌تواند عنوانی فرعی همچون «نگاهی انتقادی به سبک زندگی» داشته باشد؛ نگاهی انتقادی به آنچه به

علت تغییرات روزافزون و سریع دنیای جدید نادیده گرفته شده و جا دارد مورد بازبینی قرار گیرد. و اما نویسنده کتاب: ریوار سیویلی.

ریوار سیویلی، استاد فلسفه است و به شکلی آکادمیک در این حوزه فعالیت دارد. فلسفه را در دانمارک آموخته و سال‌ها زندگی در آن کشور و فضای متفاوت مغرب‌زمین موجب شده نگاهی متفاوت به زندگی روزمره داشته باشد. همچنین به‌خوبی با جامعه‌شناسی و مفاهیم آن آشناست. از طرف ادیب موفقی است که در حوزه شعر و داستان آثار قابل توجهی دارد. این سه ویژگی خمیرمایه‌ی اصلی آثار ریوار است. آشنایی ریوار با فلسفه، زندگی در غرب و تسلط وی بر ادبیات و فرهنگ کردی در مقام بخشی از فرهنگ رقیبین او را واجد این شایستگی کرده که بتواند با نگاهی انتقادی و عمیق و دور از شعارزدگی به نقد سبک زندگی امروزی پردازد. ریوار انسانی درست‌اندیشی و بذل‌گو است که به مسائل اطرافش با دیدی عمیق و متفاوت می‌نگرد، و با زبان طنز و نکته‌بین خود مسائلی را به هم مرتبط می‌کند که گاه در هاله‌ی این خواننده را شگفت‌زده می‌کند اما در نهایت با پیوندی زیرکانه و هوش‌رانه، مفهوم موردنظر خود را بیان می‌کند و خواننده را به تأمل وامی‌دارد.

و اما خود من، از زمان کودکی تا سال‌های پیاپی دبیرستان در غذاخوردن بسیار بهانه‌گیر بودم. به قول معروف بچه‌ی بدغذا! این ردم! بعدها در دوران دانشجویی، از آن طرف بام افتادم: هر غذایی را می‌خوردم فقط به قصد سیر شدن. اما با شروع زندگی مستقل و تنها زیستن، نگاهم به زمان به زندگی غذا تغییر کرد. متوجه این نکته شدم که انسان سالم انسانی است که آشپز خوبی هم باشد. مدت‌ها آشپزخوب بودن، برایم اینطور تعریف می‌شد که غذاهای پیش‌تر آزموده‌شده را به‌خوبی درست کنم. اما در گذر زمان، آزمون و تجربه‌ی غذای مادرانه با غذای زنانه، غذای عاشقانه، غذای دوستانه، غذای تنهایی و غذای حکیمانه تلفیق شد تا جایی که امروز گهگاه غذاهایی درست می‌کنم که در هیچ کتاب و منبع آشپزی، اسمی از آن برده نشده است. در واقع سال‌ها بود که نگاهم به آشپزی با فانتزی‌های شخصی‌ام درهم

آمیخته بود. با مطالعه‌ی کتاب ریوار متوجه این نکته شدم که تقویت این نگاه و تسری آن به بخش‌های مختلف زندگی تا چه اندازه می‌تواند ما را از یک‌نواختی دور کند. نگاه فانتزیک به زندگی یعنی عاشقانه زیستن، عاشقانه نگرستن و عاشقانه رفتارکردن و شاید از همه مهم‌تر خلاقانه غذا پختن... هر آنچه در طبیعت پیرامون ما وجود دارد می‌تواند رنگ و بویی از عشق و خیال خلاقانه به ما هدیه کند.

فانتزی خوراک را همزمان با کتاب خنده و فلسفه از همین نویسنده ترجمه کردم و در حال حاضر مشغول ترجمه کتاب دیگری از ریوار هستم در حوزی جامعه‌شناسی احساسات. امیدوارم نگاه و قلم این نویسنده، علاقه و توجه مخاطب ایران را به خود جلب کند.

لازم می‌بینم از دبستانی که در ترجمه‌ی این اثر یاری‌ام دادند تشکر کنم. دوست خوبم محمدمدق برادری که نسخه‌ی اولیه‌ی اثر را مطالعه و ویرایش کردند، دوست گرامی که کمتر امید ورزنده که زحمت ترجمه‌ی اشعار کردی کتاب بر عهده‌ی ایشان بود. با مطالعه‌ی کتاب نکات مهمی را متذکر شدند و دوست ارجمندم سرکار خانم زهرا حبیبی که با نگاه تیزبین و دقیق خود نسخه‌ی نهایی کتاب را مطالعه کردند و با تذکر برخی نکات به بهترشدن نتیجه‌ی نهایی اثر کمک شایانی رساندند و مدیر محترم نشر دات که حضورش همواره انرژی‌بخش و یاری‌دهنده بوده است و در پایان، امیدوارم ترجمه‌ی این کتاب، ادامه‌ی مسیری باشد که با هدف آشنایی و شناختی نو از فرهنگ کردها آغاز شده و در ارتقای فرهنگی میان این‌سو و آن‌سو را بیش از پیش تقویت کند.

تهران بهمن ۱۳۹۴

مقدمه‌ی نویسنده بر چاپ فارسی

می‌گویند نویسندگان عاشقند و عشق، مشوق آن‌ها برای خلق آثارشان است. سال ۱۳۸۱ قبل از ۲۰۰۶ که چاپ اول کتاب *فانتزی خوراکی* منتشر شد، اساساً کسان دیگری نیز هستند که می‌توانند عاشق کتاب‌ها شوند. کتاب پیش از این ابتدا به شکل مجموعه مقالاتی در هفته‌نامه‌ی آسو چاپ سلیمانیه منتشر شد. بعد از انتشار دوسه بخش آن، روزی جلو فروشگاه‌های خانم جوانی زده شد و خود را معرفی کرد. زیبا و تیزهوش. پرسید: این مجموعه کی پایار می‌یابد؟ گفتم زیاد نمانده و کتاب شامل هفت بخش است. به فکر فرو رفت و سپس با صورت درهم کشیده گفت: «اما کودک من فوریه متولد می‌شود! اگر قبل از زدنش انتشار مطالبت را متوقف کنی به هم می‌ریزم و دچار استرس می‌شوم. در آن حاضر هر هفته انتظار می‌کشم تا پنج‌شنبه شود و مطالبت را بخوانم و آرام شوم. همسرم نیز کاملاً متوجه تأثیر این مطالب شما بر آرامش من شده است. سپس دستم را گرفت و گفت: «قول بدهید تا فرزندم متولد می‌شود به انتشار من ادامه دهید.» با خودم که فکر کردم متوجه شدم که باید چند بخش دیگر نیز به آن اضافه کنم و این وظیفه‌ای سنگین بود، اما قول دادم و نهایتاً این کتاب از آن دراما.

یک بار هم با یکی از دوستان نویسنده‌ام، بعد از مدتی در آنجا که همدیگر را ندیده بودیم، در پارکی نشسته بودیم. او جدیداً تازه‌ترین کتابم را خوانده بود و در مورد آن صحبت می‌کردیم. در آن لحظه دختر و پسر جوانی آمدند و اجازه گرفتند که عکس بگیریم. بعد دختر به من گفت: «مادرم همیشه برای‌تان دعا می‌کند و همیشه موقع آشنایی کتاب شما را می‌خوانیم.»

سال‌ها گذشت و کتاب بارها تجدید چاپ شد، خوانندگان خود را پیدا کرد و تغییراتی هرچند اندک در زندگی اکثر آن‌ها به وجود آورد. یکی از این

افراد، دوست عزیزم سامان سلیمانی مترجم این کتاب بود. به محض این که کتاب را خواند مطلع ام کرد که می خواهد آن را به فارسی ترجمه کند. ابتدا با خود گفتم ممکن است این بیش تر خواسته و علاقه ای شخصی باشد تا نیاز خوانندگان فارسی زبان به چنین کتابی. چون ایران دارای فرهنگی غنی در آگاهی غذایی است. اما او با تداوم در انجام کارش متوجهم کرد که ممکن است این امر نیازی واقعی باشد. بعد از آن گهگاه سؤالات دقیق و پیرینانه ای مطرح می کرد و نهایتاً کتاب در قالب فارسی آن آماده شد. فکر نمی کردم کتابی با سلیقه ای کاملاً محلی و سرشار از جزئیات گفتاری بومی، بتواند تبدیل به زبان دیگری شود. می ترسیدم اساس انتقادی و لحن آیرونیک نوشته منبع ترجمه آن شود. اما زمانی که اثر را کامل و به زبان فارسی خواندم، خیلی جاها بی اختیار قهقهه سرمی دادم که چگونه توانسته است رموز زبانی و روایت های بهر این کتاب و همزمان نگاه انتقادی و آیرونیک آن را با چنین درجه ای از موفقیت ترجمه کند.

متوجه شدم که او بسیار عاشقانه تر از من بر روی کتاب کار کرده و این قلباً مایه ی سرور و خوشحالی من شد. اگر بدانم که این کتاب حتی یک لحظه آرامش و آسودگی به خواننده ی فارسی زبان هدیه می دهد، احساسی عمیق که ریشه در هم زیستی انسان ها و دوستی ما با آن ها دارد، تمام وجودم را فرا خواهد گرفت، چون انسان در هر مکان و فضای فرهنگی که زندگی کند شایسته ی آسودگی و آرامش است.

نویسندگان و خوانندگان عاشقند، اما ممکن است مترجم نیز که هم می خوانند و هم از نو می نویسند، از نویسندگان عاشق تر باشند. حداقل من در مورد سامان سلیمانی این را شهادت خواهم داد.

ریوار سیویلی

اقلیم کردستان، اربیل

۱۴ اکتبر ۲۰۱۵